

شاملوی احمد ۱۳۰۴-۱۳۰۹ صحاحیہ مؤلفہ
شاملویں کہ من می شناختم احمد محمدعلی
۹۷۸-۶۰۰-۱۸۷-۰۰۱-۴
۱۳۰۹
۹۷۸-۶۰۰-۱۸۷-۰۰۱-۴
۹۷۸-۶۰۰-۱۸۷-۰۰۱-۴

شاملوی کہ من می شناختم

محمد محمدعلی



کورانہ خیابان ولی عصر فرسٹ فلیور استاد نظہری شہادہ ۱۹۷۷
تلف: ۸۸۹۱۲۹۱۷، ۸۸۹۱۲۹۱۸، ۸۸۹۱۲۹۱۹، ۸۸۹۱۲۹۲۰، ۸۸۹۱۲۹۲۱، ۸۸۹۱۲۹۲۲
WWW.ketabsarayelandis.com info@ketabsarayelandis.com



کتابسرای تندیس

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۳

تیراں ۱۰۰۰

چاپ: ۱۰۰۰

قیمت: ۷۰۰۰ روپے

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۷-۰۰۱-۴
ISBN 978-600-182-001-4

ہم جیو سہارا دینا ہے جس کو سہارا دینا ہے اور سہارا دینا ہے جس کو سہارا دینا ہے
تاکہ وہ سہارا دینے والے کی سہارا دینے والے کی سہارا دینے والے کی سہارا دینے والے کی
سہارا دینے والے کی سہارا دینے والے کی سہارا دینے والے کی سہارا دینے والے کی

فهرست

- شاملویی که من می‌شناختم..... ۹
- شاملویی که دیگران می‌شناختند..... ۱۹
- باردیگر شاملویی که من می‌شناختم..... ۲۳
- مقدمهٔ اول بر دریچه‌ای گشوده بر ادبیات امروز ایران..... ۳۹
- من این‌جایی هستم، چراغم در این خانه می‌سوزد..... ۴۳
- گزین‌گویی‌های احمد شاملو در گفت‌وگو با محمد محمدعلی..... ۱۰۵
- متن جامانده..... ۱۱۹
- متن جامانده..... ۱۲۱
- زندگی‌نامهٔ احمد شاملو..... ۱۲۵
- باز هم شاملویی که من می‌شناختم..... ۱۴۳
- عکس‌ها..... ۱۴۷

پارسی علم نری، محمد مجری

کتاب

۷۱.۱۰.۷

شاملویی که من می‌شناختم.....

شب که جوی نقره مهتاب
بی‌کران دشت را دریاچه می‌سازد
من شرع زورق اندیشه‌ام را می‌گشایم در مسیر باد
شب که آوایی نمی‌آید
از درون خامش نیزارهای آبگیر ژرف
من امید روشنم را همچو تیغ آفتابی می‌سرایم شاد
شب که می‌خواند کسی نو مید
من ز راه دور دارم چشم
بالب سوزان خورشیدی که بام خانه همسایه‌ام را گرم می‌بوسد
شب که می‌ماسد غمی در باغ
من ز راه گوش می‌پایم سرفه‌های مرگ را در ناله زنجیر دستانم که
می‌بوسد

هوای تازه

کسی نبود که حالا مثلاً نه با یادداشتی یا حتی نقدی بر شعرهایش یا ذکر
خاطراتی از او، شیرازه‌اش را ببندیم و گفته باشیم ادای دین کرده‌ایم. او
ایستاده بود بر قلّه رفیع شعر معاصر این مرز و بوم که نه من، بل خیلی‌ها